



A Critical Analysis of the Attribution of Wine Drinking to Jesus in the Gospel of Matthew: A Study Based on the Qur'an, Islamic Narrations, and Christian Sources

Bashir Salimi¹

Seyyed Mohammad Razavi²

Abstract

The purpose of this research is to assess the possibility of the Jesus's partaking of the "fruit of the vine" in the Gospel of Matthew and other sources of the Bible. This issue has been considered as a conflict with the teachings of the Holy Qur'an. So the main question of the research is whether, based on the Gospel of Matthew and other evidence within the Christian religion, it is possible to attribute drinking alcohol to Jesus (PBUH)? How can this issue be criticized with evidence outside the Christian scriptures? For this purpose, in addition to Jewish and Christian sources, Islamic sources including verses, narrative interpretations and hadiths have also been looked at. The findings show that there is no fundamental conflict between the Qur'an and the Gospel of Matthew in this case and that the conflict is apparent. The method of this research is analytical-library. This issue has been considered as a conflict with the teachings of the Holy Qur'an. So the main question of the research is whether, based on the Gospel of Matthew and other evidence within the Christian religion, it is possible to attribute drinking alcohol to Jesus (PBUH)? How can this issue be criticized with evidence outside the Christian scriptures? For this purpose, in addition to Jewish and Christian sources, Islamic sources including verses, narrative interpretations, and hadiths have also been looked at. The findings show that there is no fundamental conflict between the Qur'an and the Gospel of Matthew in this case and that the conflict is apparent. The method of this research is analytical-library.

Keywords: Jesus's Partaking of the "Fruit of the Vine", Gospel of Matthew, Qur'an, Narrative Interpretations, Interfaith Dialogue.

Citation: Salimi, B., Razavi, S.M. (2026). "A Critical Analysis of the Attribution of Wine Drinking to Jesus in the Gospel of Matthew: A Study Based on the Qur'an, Islamic Narrations, and Christian Sources". *Hadith-based Qur'anic Research*, 2 (1), 90-103 (In Persian)

* Received: 2025/07/1, Revised: 2025/10/10, Accepted: 2025/12/14.

1. PhD in Qur'anic and Hadith Studies Lecturer, Department of Islamic Studies, Tehran University of Art, Tehran, Iran. Corresponding Author, Email: Salimibashir@yahoo.com.

2. Assistant Professor, Faculty of Theology, Science and Research Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Dsmrazavi@yahoo.com.



نقد و تحلیل گزارش انتساب شراب خواری به حضرت عیسی علیه السلام در انجیل متی با تأکید بر قرآن، روایات اسلامی و منابع مسیحی

^۱ بشیر سلیمی

^۲ سید محمد رضوی

چکیده

هدف از این پژوهش امکان سنجی شراب خواری پیامبر الهی عیسی علیه السلام در انجیل متی و سایر منابع کتاب مقدس بوده است. این موضوع به عنوان یک تعارض با آموزه های قرآن کریم مدنظر بوده است. سؤال اصلی تحقیق که با روش کتابخانه ای و با رویکرد تحلیلی سامان یافته، چنین است: بر اساس انجیل متی و سایر قرائن درون دینی مسیحی، امکان نسبت شرب خمر به عیسی علیه السلام وجود داشته است؟ چگونه می توان با قرائنی خارج از عهدین این موضوع را نقد نمود؟ و منابع اسلامی نیز به این انتساب چه واکنشی نشان داده اند؟ به همین منظور افزون بر جست و جو در عهدین، با تأکید بر انجیل متی به عنوان یکی از اناجیل هم نوا (نظیر) به منابع اسلامی شامل آیات، تفاسیر روایی و احادیث نیز نگریسته شده است. یافته ها نشان می دهد که تعارضی میان قرآن و انجیل متی به صورت مبنایی در مورد شرب خمر وجود نداشته است و می توان این تعارض را بدوی و ظاهری دانست؛ یعنی در اناجیل هم نوا شاهد وحدت نظر با قرآن هستیم؛ اما در رسائل پولس آزادی در نوشیدنی ها تجویز شده است، احادیث اسلامی نیز موید این مساله بود به نحوی که شرب خمر در تمام ادیان الهی مورد نکوهش بوده است و جواز شرعی براین مسئله هیچ گاه وجود نداشته است.

واژگان کلیدی: شراب خواری، انجیل متی، قرآن، تفاسیر روایی، گفت و گوی ادیان.

استناد: سلیمی، بشیر؛ رضوی، سید محمد (۱۴۰۵). «نقد و تحلیل گزارش انتساب شراب خواری به حضرت عیسی علیه السلام در انجیل متی با تأکید بر قرآن، روایات اسلامی و منابع مسیحی»، قرآن پژوهی روایی، ۲ (۱)، ۹۰-۱۰۳.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث، مدرس گروه معارف اسلامی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Salimibashir@yahoo.com.

۲. استادیار دانشکده الهیات واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: Dsmrazavi@yahoo.com.

۱- بیان مسئله

ادیان ابراهیمی و در رأس آن‌ها سه دین بزرگ اسلام، مسیحیت و یهودیت دارای ریشه واحدی هستند؛ اما در برخی مؤلفه‌ها، به ظاهر و یا به طور اساسی، تعارضاتی با همدیگر دارند. از جمله اساسی‌ترین تعارضات قرآن و انجیل متی، بحث شراب‌خواری حضرت عیسی علیه السلام است.

بنابر انجیل متی، حضرت عیسی علیه السلام در هنگام عشاء ربانی، به شاگردان خود شراب تقدیم کرد، البته در انجیل متی به صراحت از لفظ شراب سخنی به میان نیامده و به جای آن از لفظ «شکر»^۱ استفاده شده است؛ بدین مضمون که هنگام صرف غذا، حضرت عیسی علیه السلام نان را برکت داد و خطاب به شاگردانش گفت: این بدن من است و پیاله را از شکر پر نمود و فرمود: این خون من است و اگر از آن بنوشید، موجب آمرزش گناهان می‌گردد (ر.ک: متی، ۲۶: ۲۷-۲۸) در ترجمه انگلیسی نیز می‌گوید: نان را برکت داد و استوار ساخت^۲ (king james, 1611, p. 2085). سپس در ادامه با به کار بردن لفظ «مو» یعنی درخت انگور به عنوان یک قرینه، دریافت می‌شود که منظور از آن شراب است (متی، ۲۶: ۲۹).

اگر منظور از این شراب، شراب دنیوی و یا به بیان بهتر، شراب مستی‌آور باشد، طبیعتاً با قرآن، سنت نبوی و نیز با تمامی آموزه‌های فقهی ادیان الهی در تعارض است؛ زیرا طبق ادله روایی، شراب مستی‌آور در تمامی ادیان حرام بوده است (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۳۳۴؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۵).

۲- پیشینه تحقیق

در این مورد، پژوهش‌های کلی صورت گرفته است: بررسی کتاب مقدس، صحاف کاشانی (۱۳۸۸) و نظرات و دیدگاه‌های بلاغی توسط ملک مکان (۱۳۸۵)، پیشینه‌های این مبحث هستند که به صورت مستدل و با نگاهی جامع تدوین نشده‌اند. لذا وجه تمایز این تحقیق، توجه و تمرکز بر مسئله عدم شرب خمر حضرت عیسی علیه السلام به عنوان نقطه کانونی این تحقیق براساس آیات قرآن کریم و یکی از اناجیل هم‌نوا (انجیل متی) استوار است. موضوع شرب خمر در نگاه الهی دانان معاصر مسیحی از حیطة این پژوهش روایی خارج است.

۳- شراب در ادیان ابراهیمی - سامی

اگرچه پژوهش حاضر فارغ از نگاه اسطوره‌ای است، اما سخن ایلایده (به عنوان اسطوره‌شناس برجسته)^۳

۱. ۲۶ vNow as they were eating, Jesus took bread, and wafter blessing it broke it and gave it to the disciples, and said, "Take, eat; xthis is my body." 27 And he took a cup, and when he yhad given thanks he gave it to them, saying, "Drink of it, all of you, 28 for xthis is my zblood of the3 covenant, which is poured out for amany bfor the forgiveness of sins(<https://biblia.com/bible/esv/matthew/26>).

۲. And blessed it, and brake it, اگرچه در ادامه در شماره ۲۹ همین فراز از عصاره میوه در ترجمه انگلیسی ینگ جمیز استفاده شده است.

۳. میرچا الیاده (به رومانیایی Mircea Eliade) زاده ۱۹۰۷ در بخارست، درگذشته به سال ۱۹۸۶، از اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان نامدار و استاد دین‌پژوهی در دانشگاه شیکاگو بود.

قابل بررسی است: هیچ راهی برای اثبات اینکه عیسی علیه السلام این سخنان را گفته باشد وجود ندارد، این آئین، عبادت خانگی یهودی، به ویژه تبرک نان و شراب را ادامه می دهد. واقعیت بخشیدن دوباره به حضور مسیح، تکرار آیینی داوطلبانه قربانی منجی و برگرفته از کیش آگاهای^۱ است (ایلیاده، ۱۳۹۹، ص ۲۶۷). در تورات در موارد گوناگون به تحریم شراب اشاره شده است: «خداوند موسی را خطاب کرده گفت: بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگو: چون مرد یا زن، نذر خاص [نذر پرهیزگاری]^۲ کند و خود را برای خدا تخصیص نماید [پارسا سازد] از شراب و مسکرات پرهیزد و سرکه شراب و سرکه مسکرات را ننوشد و هیچ عصیر انگور ننوشد و انگور تازه یا خشک نخورد (اعداد باب ۶، آیه ۱-۴).^۳ نیز در عهد عتیق در داستان زندگی نوح علیه السلام به این موضوع اشاره شده است: نوح علیه السلام تاکستانی آماده کرده و از محصول انگور آن شراب مست کننده، تهیه می کند، نوشیدن از این شراب مست کننده باعث می گردد نوح علیه السلام به میگساری، مستی، بی شرمی و در نهایت به یک مصیبت خانوادگی گرفتار آید (اعداد، باب ۶، آیه ۳ و نیز ر.ک: علوی عاملی، ۱۳۷۳، ص ۹۲).

صرف نظر از تعارضی که این فراز از تورات با عصمت انبیاء دارد؛ اما خود مؤید مضرات شراب است و همین مسئله در مورد تمامی کاهنان یهودی هم صادق است و خداوند به آن ها فرمان داده بود که در زمان خدمت خود از نوشیدن شراب و مسکرات به دلیل مضرات آن پرهیز کنند:

و خداوند در خطاب به هارون پیامبر او و فرزندانش را از نوشیدن شراب تا ابد منع می کند و شراب را نجس و ناپاک می شمارد (لاویان، باب ۱۰، آیه ۸-۱۱). همچنین در عهد عتیق، تمامی کسانی که نذری برای خدا می کنند باید از شراب پرهیز کنند: شراب استهزاء می کند و مسکرات عربده می آورد و هرکه به آن فریفته شود حکیم نیست (امثال، باب ۲۰، آیه ۱)؛ و در نهایت در تورات، شراب نکوهش شده و چون ماری گزنده و افعی تعبیر شده است که نوشنده آن، به شقاوت و عذاب گرفتار خواهد شد (امثال، باب ۲۰، آیه ۲۹-۳۵). شراب هرگز در متون مقدس یهودی، به عنوان یک فدیۀ مستقل ذکر نشده است؛ بلکه همیشه به عنوان یک نوشیدنی همراه با قربانی یک بره، یک قوچ یا یک گوساله مطرح می شود (خروج، باب ۲۹، آیه ۴۰-۴۱؛ اعداد، باب ۱۵، آیه ۷، باب ۱۵، آیه ۱۰). همچنین در پای مذبح قربانی ها ریخته می شد. کشیشان اما باید از شراب و دیگر نوشیدنی های تخمیری پرهیز می کردند (لاویان، باب ۸، آیه ۱۰-۱۱)، و نازیرها^۴ نیز در طول دوره تقدیس خود به همین ممنوعیت ملزم بودند (اعداد، باب ۶، آیه ۱-۲۱؛ Carson, Cerrito, vol14, 2002).

۱-۳- شراب در اسلام

در قرآن نیز هر نوع مسکری حرام و نوشیدن شراب طی مراحل چند با توجه به آیات قرآن تحریم شده

۱. از ادیان سری مدیترانه در دوران باستان.

۲. ر.ک: <https://www.britannica.com/topic/Nazirite>.

۳. Nazirites must never drink wine.

۴. در مورد سبک زندگی نازیرها ودوری آن ها از مردم و اینکه خود را وقف خدمات الهی می کردند ر.ک: سفر اعداد، باب ششم.

است. در مرحله اول نظر مردم را به موضوع خمر و منشأ آن جلب می‌کند ﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل: ۶۹). سپس با لحنی آرام و مؤثر، آنان را به اندیشیدن صحیح و تفکری سنجیده رهنمون می‌گردد و می‌گوید: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا﴾ (بقره: ۲۱۹). در این آیه، گامی عمیق‌تر برداشته شده و می‌گوید اگر چه شراب منافع و سودهایی برای مردم دارد ولی ضررهای آن بیش از منافع آن است و پس از این برای شراب خوردن محدودیت زمانی ایجاد می‌کند و آن در حین اقامه نماز است و چون یک فرد مسلمان پنج نوبت در روز نماز می‌خواند، لذا خود به خود بسیار در نوشیدن شراب محدود می‌شود ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ (نساء: ۴۳). بدیهی بود که یک فرد مسلمان در فواصل میان نمازهای پنجگانه ناگزیر از شرابخواری بپرهیزد تا خود را شایسته نمازگزاری سازد و شاید کمتر اتفاق می‌افتاد تا یک مسلمان فرصتی برای نوشیدن خمر در میان نمازهای یومیه به دست آورد. قرآن پس از این حرکت تدریجی در گام چهارم تیر خلاص را شلیک می‌کند و در نهایت می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده: ۹۰).

در تفسیر قمی جزئیات تاریخی موضوع به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله مرسلأ نقل شده است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۸۱). صرف نظر از آیات قرآن، احادیث معصومان علیهم السلام نیز در این مورد قابل توجه است: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ الْخَمْرَ بَعَيْنَهَا فَقَلِيلُهَا وَكَثِيرُهَا حَرَامٌ كَمَا حَرَّمَ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَ لَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ حَرَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الشَّرَابَ مِنْ كُلِّ مُسْكِرٍ وَ مَا حَرَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَدْ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۰۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۴۳؛ حرّاعلمی، ۱۳۶۳، ج ۲۵، ص ۳۲۵) و نیز از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده است: «كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ كُلُّ مُسْكِرٍ خَمْرٌ» (نیشابوری، ۱۹۹۲م، ج ۱۳، ص ۱۴۴؛ و نظیر آن در مالک بن انس، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۱۹۷؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۵۲) در روایات اسلامی نوشیدن شراب، همواره حرام بوده است؛ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَفِي عِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَكْمَلَ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ فَلَمْ يَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا... (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۱۰۲) «خداوند پیامبری نفرستاد، جز اینکه در علم خداوندی هرگاه دینش را کامل می‌کرد در آن تحریم شراب بود و پیوسته شراب حرام بوده است.

در اسلام حتی خرید و فروش شراب نیز حرام است. بنابر روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نزول آیات پایانی سوره بقره و با استناد به تحریم ربا خرید و فروش شراب را نیز حرام اعلام نمودند (بخاری، بی تا، ج ۵، ص ۱۶۴، ح ۴۴۲۳).^۱ لذا از این پس مردم به انگور، تمر و غوره و یا سرکه اکتفا و از شراب پرهیز می‌کردند. از انس روایت شده است: «شراب بر ما حرام شد هنگامی که تحریم شد و در مدینه، شراب انگور را به جز مقدار

۱. حدثنا عمرو بن غياث حدثنا ابي حدثنا الاعمش حدثنا مسلم عن مسروق عن عائشة: لما نزلت آيات من آخر سورة البقرة في الربا قرأها رسول الله علي الناس ثم حُرِّمَ التجاره في الخمر.

کمی نمی یابید و بیشتر شراب های ما از خرما و رطب است (عسقلانی، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۵).^۱
در مورد مضرات شراب در دین اسلام، سخن ها رفته است که از باب مشابَهت حدیثی که وحدت موضوعی با امثال سلیمان دارد ذکر می شود: «و خداوند متعال شراب را به خاطر فساد و باطل شدن عقل ها در حقایق و از بین رفتن حیا از چهره حرام کرده است و هنگامی که مردی نشئه می شود، ممکن است به مادرش نزدیک شود یا نفس هایی را که خداوند حرام کرده است، به قتل برساند و اموال را فساد کند و دین را از بین ببرد و در معاشرت بد رفتار کند و به عربده کشی بيفتد» (امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۲؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۷، ص ۴۵).^۲

۳-۱-۱- شراب پاک در قرآن

برخی آیات، برخی آیات بر وجود «شراب طهور» دلالت دارند: وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا (دهر: ۲۱)؛ یعنی خداوند در روز قیامت به مؤمنان شرابی می نوشاند که پاک و پاکیزه است. همچنین در وصف این شراب آمده است: لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ (واقعه: ۱۹)، یعنی نه از آن دچار سردرد می شوند و نه عقل خود را از دست می دهند. در تفسیر این آیه گفته شده است: آنان از آن شراب بهشتی دچار سردرد نمی شوند؛ یعنی سرهایشان درد نمی گیرد. از مجاهد نیز نقل شده است که مراد آیه همین است؛ یعنی نوشیدن آن شراب موجب درد سر نمی شود. همچنین از ضحاک درباره این آیه نقل شده که مقصود از لَا يُصَدَّعُونَ، درد سر است. درباره عبارت وَلَا يُنْزِفُونَ نیز گفته شده است که قرائت های مختلفی درباره آن وجود دارد. اکثر قراء مدینه و بصره آن را «ینزفون» با فتح زاء خوانده اند و به این معنا تفسیر کرده اند که عقل هایشان نمی ریزد و اکثر قراء کوفه آن را «لا ینزفون» با کسر زاء خوانده اند، به معنای اینکه «و شرابشان تمام نمی شود» (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۱۰۱)؛ به شخص مست، نَزِيف گویند که عقلش به علت مستی مسلوب شده. گفته شده: «نَزِيف الرَّجُلُ» (به صیغه مجهول) یعنی مرد عقلش رفت و مست شد (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۴۴).

زرع جان را کِش جواهر مضمَرست ابر رحمت پر ز آب کوثرست

تا سقا هم ربه م آید خطاب تشنه باش الله اعلم بالثواب

(بلخی، ۱۳۶۶، دفتر ۳، بیت ۳۲۱۹).

و نیز این آیه از قرآن کریم: «جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ * مُتَكِنِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَ شَرَابٍ» (ص: ۵۱-۵۰). اگر چه لفظ شراب در این آیه نکره آمده و هر نوع نوشیدنی را شامل می شود، ولی قطعاً یکی از مصادیق عالی آن، چشمه پاک است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۴؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۷).

۱. عن انس: حرمت علينا الخمر حين حُرِّمَتْ و ما تجدد - یعنی بالمدينة - خمر الاعناب الا قليلاً و عامه خمرنا البسر و التمر.

۲. و ان الله تعالى حَرَّمَ الخمر لما فيها الفساد و بطلان العقل في الحقائق و ذهاب الحياء من الوجه و ان الرجل اذا سكر فرمما وقع على امه او قتل النفس التي حرم الله و يفسد اموالها و يذهب بالدين و يسيء المعاشرة و يوقع العربده.

برخی در مورد آیه «شَرَاباً طَهُوراً» این احتمال را هم داده‌اند که منظور از طَهُور، چشمه‌ای است در بهشت که هر که از آن بیاشامد، در دل او حقد و حسد، بلکه هیچ صفتی از صفات ناپسند نماند. برای تفسیر به این حدیث استناد جسته‌اند: «چون مؤمن شراب طهور بیاشامد، از هر چه ماسوی است میل نمود، بالکلیه متوجه مولی می‌شود و این منتهی درجات صدیقان است». و یا این حدیث که سهل بن عبدالله در نماز سوره دهر را می‌خواند، وقتی به این آیه رسید، آواز دهانش می‌آمد، چنان‌که کسی چیزی مکد، او را گفتند ای شیخ! نماز می‌خواندی یا شراب خوردی؟ گفت: شراب می‌خوردم بکأس «سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً» (انسان: ۲۱). اگر از قرآن، لذت شراب نیافتمی، نخواندمی (کاشانی، ۱۳۴۴، ج ۱۰، ص ۱۱۱). از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: در بهشت درختی است که یک برگ آن، بر هزار کس سایه افکند و به طرف راست آن درخت چشمه‌ای است پاک‌کننده، پس هر کس که از آن چشمه شربت آبی نوشد، خدای تعالی دل‌های آن‌ها را از پلیدی و حقد پاک سازد و از بشره ایشان موی‌ها را ساقط می‌کند. (لاهیجی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۶۶۹). از عبدالله بن عمر، مروی است که مرد حبشی نزد حضرت آمد و گفت: خدا شما را تفصیل داده برحسن صورت و بیاض لون، اگر ایمان آرم به آنچه بر تو نازل شده و به آن عمل نمایم، با تو در بهشت درآیم یا نه؟ حضرت فرمود: بلی؛ به خدا که جان من در فرمان اوست که در دنیا مردی سیاه باشد، در بهشت نور روی او هزار فرسخ بتابد، بعد فرمود هر که بگوید: «لا اله الا الله» او را عهده‌ای باشد نزد خدا و هر که بگوید: «سبحان الله و بحمد»، او را صد و بیست هزار حسنه بنویسند و حضرت به سخنان خود ادامه داد تا رسید به همین آیه مورد بحث (دهر: ۲۱). آنگاه حبشی گفت: یا رسول الله، آنچه در بهشت چشم تو بیند، چشم من خواهد دید؟ فرمود: بلی. حبشی نعره‌ای زد و جان به حق تسلیم نمود (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۳، ص ۴۲۰). در خصوص شراب طهور احتمالی دیگر نیز داده شده و آن از این قرار است که آن، شرابی دنیوی است ولی خدای سبحان در بهشت آن را برای بهشتیان پاک می‌کند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۰، ص ۲۱۸).

۴- توجیهات مسیحیان درباره شراب‌خواری حضرت عیسی علیه السلام

اگر چه تأکید این جستار بر عهدین و اناجیل هم‌نواست و بررسی نظرات جدید الهی‌دانان مسیحی از حوزه این مقاله خارج است، اما از باب نمونه به عقاید مسیحیان اشاره می‌شود. با توجه به مطالبی که گذشت و اثبات این مطلب که خوردن شراب مستی‌آور و زائل‌کننده عقل در تمامی ادیان ابراهیمی حرام بوده است، اکنون لازم به نظر می‌رسد تا توجیهات مسیحیان را در مورد این فراز از انجیل متی که در طی آن، حضرت مبادرت به شرب خمر می‌کند متذکر شد:

۱-۴- نقد و بررسی استدلال‌های کلامی مسیحیان

در متن انگلیسی انجیل متی از لغت (Wine) که معادل یونانی (Oinos) است، استفاده نشده؛ زیرا این لغت در مورد شراب تخمیرشده به کار می‌رود. متی اصطلاح (میوه مَو) را به کار برده است. شراب تخمیرنشده

تنها (میوه مو) کاملاً طبیعی است که شامل تقریباً ۲۰ درصد شکر می‌گردد و الکلی در آن وجود ندارد. اصولاً مخمر، شکر را از بین می‌برد و محصول مو را تغییر می‌دهد؛ در نتیجه، شراب تخمیر شده محصول درخت مو نیست (دائرة المعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۶۳۵).

در پاسخ باید گفت: این امری بدیهی است که شراب مستی‌آور در غالب اوقات از درخت انگور یا همان مو گرفته می‌شود و لذا شراب تخمیر شده غالباً محصول درخت مو است. بنابراین چنین توجیهی غیر قابل قبول است. همچنین در متن انگلیسی انجیل متی به اخذ آن از درخت انگور اشاره شده است.

شام خداوند زمانی انجام گرفت که عیسی و شاگردانش در حال شام فصیح بودند. قانون چگونگی اجرای فصیح نیز در سفر خروج بیان شده که طی آن استفاده از (Seor) منع شده و (Seor) لغتی است که در مورد مخمر و هر نوع عامل تخمیر به کار می‌رود و اغلب از کف غلیظی که بر سطح شراب وجود داشت، به دست می‌آمده است. علاوه بر این همه نوع (Hametz) یعنی هر چیزی که شامل هر نوع مخمر گردد؛ قدغن شده که در سفر خروج به آن اشاره شده و عیسی پسر خدا، تمام قوانین شریعت را به کمال رسانید. بنابراین او قانون خدا را در مورد فصیح اطاعت نمود و از شراب تخمیر شده استفاده نکرد (دائرة المعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۶۳۵).

در پاسخ از استدلال دوم نویسنده دائرة المعارف کتاب مقدس باید گفت: این استدلال دوم از چند جهت قابل نقد و ابطال است؛ نخست آن‌که وی در مورد قانون فصیح به منع استفاده از (Seor) توسل جسته که در سفر خروج به آن اشاره شده؛ اما با مراجعه به سفر خروج، دریافت می‌شود که موضوع سمت و سوی دیگری دارد. در سفر خروج چنین آمده است: هفت روز نان فطیر خورید، روز اول خمیر مایه را از خانه‌های خود بیرون کنید؛ زیرا که از روز نخستین تا روز هفتمین چیزی خمیره شده بخورد، آن شخص از اسرائیل منقطع گردد... (خروج ۱۲: ۱۶-۱۵). سپس در ادامه چنین آمده است: در ماه اول در روز چهاردهم ماه، در شام، نان فطیر بخورید، تا شام بیست و یکم ماه، هفت روز خمیر مایه در خانه‌های شما یافت نشود، زیرا هر که چیزی خمیر شده بخورد، آن شخص از جماعت بنی اسرائیل منقطع گردد (خروج ۱۲: ۱۸-۲۰) واضح است که موضوع این مطلب در اینجا منظور نان خمیر است در مقابل نان فطیر و نه هر مایع مستی‌آور.

منظور از نان خمیر یعنی آرد گندم یا جو که با آب آمیخته و خمیر مایه به آن زده باشند برای نان پختن و یا هر چیز شبیه به آرد که با آب مخلوط کرده باشند و آبکی نباشد... (عمید، ۱۳۷۵، ص ۶۰۹) و منظور از نان فطیر یعنی نانی که تخمیر نشده باشد... (عمید، ۱۳۷۵، ص ۹۵۷). در ترجمه به انگلیسی نیز این عبارت آمده: (unleavened bread) (king james, 1611, p: 151).

همچنین نویسنده در ادامه، به تحریم (Hametz) اشاره کرده و مبنای مدعای خود را سفر خروج (۱۳: ۱۷) می‌داند - با مطالعه این فراز از سفر خروج، مطلبی دال بر این موضوع یافت نشد؛ بلکه مطالب اشاره شده از قرار زیر است که هیچ ارتباطی با مسکرات ندارد: «و واقع شد که چون فرعون قوم را رها کرده بود، خدا ایشان را از راه زمین فلسطینیان رهبری نکرده، هر چند آن نزدیکتر بود. زیرا خدا گفت: مبدا که چون قوم

جنگ ببینند پشیمان شوند و به مصر برگردند» (خروج، ۱۳: ۱۷).

ملاحظه می‌شود که این مطلب هیچ ارتباطی با مسئله شراب ندارد. با بررسی بیشتر مشخص می‌گردد (hametz) معادل واژه غذای خمیرشده در مراسم مذهبی یهودیان (pesah) ممنوع است (britannica.com/topic/hametz) که باتوجه به اینکه در رساله قرن‌تین تأکید شده است که مخمر، کم آن نیز کل غذا را تخمیر کند، منع شده است (قرن‌تین، فصل ۵، آیه ۶).^۱

ایشان در ادامه به مطلبی از انجیل متی (باب ۱۶، آیه ۶ و ۱۲) استناد می‌کنند که طی آن حضرت عیسی (علیه السلام) به تحریم مسکرات اشاره کرده‌اند، ولی این استناد نویسنده نیز غیر قابل پذیرش است.

و شاگردانش چون بدان طرف می‌رفتند، فراموش کردند که نان بردارند عیسی (علیه السلام) ایشان را گفت: آگاه باشید که از خمیر مایه فریسیان و صدوقیان احتیاط کنید. پس ایشان در خود تفکر نموده گفتند: از آن است که نان برنداشته‌ایم. عیسی (علیه السلام) این را درک نموده بدیشان گفت: ای سست ایمانان! چرا در خود تفکر می‌کنید از آن جهت که نان نیاورده‌اید؟! آیا هنوز نفهمیده و یاد نیاورده‌اید آن پنج نان و پنج هزار نفر و چند سبدی را که برداشتید؟ و نه آن هفت نان و چهار هزار نفر و چند زنبیلی را که برداشتید؟ پس چرا نفهمیدید که درباره نان شما را نگفتم که از خمیر مایه فریسیان و صدوقیان احتیاط کنید؟ آنگاه دریافتند که نه از خمیر مایه نان، بلکه از تعالیم فریسیان و صدوقیان حکم به احتیاط فرموده است (متی، باب ۱۶، آیه ۵-۱۲).

ملاحظه می‌کنید که منظور از خمیر مایه فریسیان در این موضع تعالیم و خط مشی فکری آن‌هاست، نه خوردن شراب تخمیرشده؛ به نظر می‌رسد نویسنده در تشخیص بین نان خمیرشده و مخمر دچار سهو شده است.

برخی منابع یهودی تصدیق می‌کنند که شراب تخمیرنشده در دوران عهد جدید در عید فصح استفاده می‌شد. برای مثال بر اساس اناجیل نظیر (هم‌نوا)، مشخص می‌شود که مسیح (علیه السلام) در روز سه‌شنبه، آخرین هفته زندگی خود با شاگردانش برای شرکت در عید فصح وارد اورشلیم، شهر مقدس شد. بنابراین نان و شرابی که به‌وسیله مسیح به‌عنوان یادگاری مورد استفاده قرار گرفت، نان فطیر و شراب تخمیرنشده بود که در شام فصح خورده می‌شد (دائرة المعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۶۳۶).

این استدلال نویسنده خود مؤید اعتقاد اسلامی ماست که شراب مسکر حرام است و نیز اینکه تمامی مسیحیان فعلی که در مراسم عید پاک از شراب دارای الکل استفاده می‌کنند به خطا رفته‌اند، زیرا آنان خلاف گفته‌های تورات و سنت حضرت مسیح (علیه السلام) عمل می‌کنند.

استدلال چهارم مربوط می‌شود به جشن عروسی که طی آن حضرت عیسی (علیه السلام) آب را به شراب تبدیل کرد

۱. برای اطلاعات بیشتر ر. ک به: ۱. تورات: در کتاب خروج (باب ۱۲، آیه ۱۵-۲۰) و کتاب لاویان (باب ۲۳، آیه ۶-۸) به ممنوعیت مصرف هم‌تز در جشن پسخ اشاره شده است. ۲. تلمود: در تلمود، به ویژه در بخش «مسختا» (Pesachim) جزئیات بیشتری درباره قوانین هم‌تز و آداب جشن پسخ آورده شده است. ۳. کتاب‌های فقه یهودی: مانند «شولحان عروخ» که به قوانین و آداب مذهبی یهودیان پرداخته و شامل فصولی درباره هم‌تز و جشن پسخ است.

و این به عنوان نخستین معجزه حضرت تلقی می شود: (هیأت تحریریه موسسه در راه حق، ۱۳۵۰، ص ۱۴۹).
«... و این ابتدای معجزاتی است که از عیسی علیه السلام در قانای جلیل صادر گشت». (یوحنا، ۲: ۱۲-۲).

اگر چه این مسئله در انجیل متی ذکر نشده است، لیکن به دلیل وحدت موضوعی آن با مبحث مد نظر این پژوهش آورده شد. کارپنتر در توجیه این موضوع می گوید: تبدیل آب به شراب بدان معناست که همان گونه که موجودی شراب نسبتاً نامرغوب جشن عروسی آخر سر پایان یافت و شراب معجزه آسا و عالی عیسی علیه السلام جای آن را گرفت، به همین ترتیب شرایعی که قرن ها ناظر بر زندگی یهودیان بوده، دیگر کهنه و بی ثمر شده و یک شراب تازه و بهتر، یعنی رستگاری که عیسی علیه السلام با خود می آورد، جای آن را می گیرد. اگر این تفسیر مصنوعی می نماید، باید توجه داشت که شراب در ادبیات خاخامی، پیوسته به عنوان نماد تورات به کار می رفته است (کارپنتر، ۱۳۷۴، ص ۳۱).

در عهد عتیق، نوشیدنی تخمیر شده، هرگز در خانه خدا استفاده قرار نمی شد و کاهنان اجازه نداشتند که اگر نوشیدنی مست کننده خورده اند، برای پرستش خدا نزدیک بیایند. «و خداوند هارون را خطاب کرده، گفت: تو و پسرانت با تو چون به خیمه اجتماع داخل شوید، شراب و مسکری ننوشید مبادا بمیرید. این است فریضه ابدی در نسل های شما و تا در میان مقدس و نامقدس و نجس و طاهر و تمیز و تا به بنی اسرائیل همه فرایضی را که خداوند به دست موسی علیه السلام برای ایشان گفته است، تعلیم دهید... (سفر لاویان، باب ۱۰، آیه ۸-۱۱).

لذا عیسی علیه السلام مسیح کاهن اعظم خدا در عهد جدید است که برای نجات قوم خود در نزد خدا حاضر شده است (دائرة المعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۶۳۶).

او در ایام بشریت خود، چون که با فریاد شدید و اشک ها نزد او که به رهاندنش از موت قادر بود، تضرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب گردید، هر چند پسر بود، به مصیبت هایی که کشید، اطاعت را آموخت و کامل شده، جمیع مطیعان خویش را سبب نجات جاودانی گشت و خدا او را به رئیس کهنه مخاطب ساخت به رتبه ملک یدق (عبرانیان، ۵: ۱۰-۷).^۱
دلیل ششم به شرح زیر است:

ارزش یک نمونه به وسیله توانایی آن در تفسیر و تعبیر کردن حقایق روحانی بیان می گردد. بنابراین نان که بیان کننده بدن مقدس مسیح علیه السلام است، باید بدون خمیر مایه باشد (یعنی بدون مخمر فاسد شدنی) میوه مو که آب انگور تخمیر نشده است، می تواند به بهترین صورت بیان کننده خون فسادناپذیر مسیح باشد:
و چون او را پدر می خوانید که بدون ظاهر بینی بر حسب اعمال هرکس داوری می نماید، پس هنگام غربت

۱. در رساله عبرانیان، ملک یدق (Melchizedek) به عنوان یک شخصیت مهم و نمادین معرفی شده است. او یک کاهن و پادشاه شالیم (که به احتمال زیاد همان اورشلیم است) بود و در کتاب مقدس به عنوان شخصیتی که ابراهیم را ملاقات کرده و او را برکت داده، شناخته می شود. ملک یدق به عنوان یک نماد از کاهن اعظم و همچنین یک تصویر از مسیح علیه السلام در نظر گرفته می شود. در رساله عبرانیان، نویسنده به مقایسه کاهن اعظم یهودی با ملک یدق می پردازد و تأکید می کند که عیسی علیه السلام به عنوان کاهن اعظم از نسل ملک یدق است و نه از نسل هارون، که این موضوع به اهمیت و جایگاه او در نظام جدید اشاره دارد.



خود را با ترس صرف نمایید. زیرا می‌دانید که خریده شده‌اید. از سیرت باطلی که از پدران خود یافته‌اید نه به چیزهای فانی مثل نقره و طلا، بلکه به خون گران‌بها چون خون برّه بی‌عیب و بی‌داغ یعنی خون مسیح (علیه السلام) که پیش از بنیاد عالم معین شد، لکن در زمان آخر برای شما معین گردیده، که به وساطت او شما بر آن خدایی که او را از مردگان برخیزانید و او را جلال داد، ایمان آورده‌اید تا ایمان و امید شما بر خدا باشد (رساله اول پطرس، باب ۱، آیه ۱۷-۲۱).

از آنجایی که کتاب مقدس به‌وضوح بیان می‌کند که فرآیند فساد در بدن و خون مسیح نمی‌تواند عمل کند، بنابراین نان و شرابی که فاسد و خمیر نشده‌اند، به‌گونه‌ای صحیح نمونه‌ای از بدن و خون مسیح هستند (دائرة المعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۶۳۶). زیرا که نفس مرا در عالم اموات نخواهی گذاشت و اجازت نخواهی داد که قدوس تو فساد را ببیند (اعمال رسولان، باب ۲، آیه ۲۸-۲۷) زیرا که داود چون که در زمان خود اراده خدا را خدمت کرده بود، بخفت و به پدران خود ملحق شده، فساد را دید. لیکن آن‌کس که خدا او را برانگیخت، فساد را ندید (اعمال رسولان، باب ۱۳، آیه ۳۷). پولس به ایمان‌داران قرن‌س دستور می‌دهد که از خمیر مایه روحانی دوری کنند که عامل بدی و شرارت است؛ چرا که مسیح فصیح ماست: آیا آگاه نیستید که اندک خمیر مایه، تمام خمیر را مخمر می‌سازد؟ پس خود را از خمیر مایه کهنه پاک سازید تا فطیره تازه باشید، چنان‌که بی خمیر مایه هستید، زیرا که فصیح ما در راه ما ذبح شده است. پس عید را نگاه داریم نه به خمیر مایه کهنه و نه به خمیر مایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده دلی و راستی (رساله اول قرتیان، باب ۵، آیه ۸-۶).

بنابراین استفاده از چیزی که نمونه و نشانه‌ای از شرارت است (چیزی که شامل مخمر باشد) برخلاف و در تضاد با آمادگی روحی لازم برای شام خداوند است (دائرة المعارف کتاب مقدس، ۱۳۸۲، ص ۶۳۶). این استدلال گرچه آخرین استدلال در این مبحث از دید مسیحیان است، اما به نوعی نمی‌توان گفت که از دل همان استدلال‌های قبلی بیرون کشیده شده که طی آن به امثال سلیمان استناد می‌شود که طی آن خدا قوم خود را از خیره شدن و نگاه کردن به شرابی که تخمیر شده و شخص آن را برای نوشیدن آماده کرده است، منع می‌کند. مسیح نیز برخلاف حکم اخلاقی که خدا امر فرموده است عمل نمی‌کند. او آمده بود تا شریعت را به انجام رساند. «به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ فام است حین که حباب‌های خود را در جام ظاهر می‌سازد و به ملایمت فرو می‌رود، اما در آخر مثل مار خواهد گزید و مانند افعی نیش خواهد زد» (امثال سلیمان، ۲۳: ۳۱-۳۲).

در هر صورت با توجه به آنچه گذشت، ملاحظه می‌شود که تمامی استدلال‌های مطرح شده از سوی مسیحیان، در راستای طرد این موضوع است که شراب استفاده شده توسط حضرت مسیح (علیه السلام) از نوع شراب سکرآور و مستی‌آور باشد و بیشتر تمایل دارند تا آن را شرابی از نوع الهی و ماوراء طبیعی بدانند.



نتیجه‌گیری

۱. با توجه به مستندات موجود در منابع عهد عتیق و اناجیل، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که حضرت عیسی علیه السلام به هیچ عنوان مروج شراب دنیوی و مسکر نبوده است.
۲. شواهد موجود در انجیل متی و سایر منابع عهدین، بر حرمت نوشیدن خمر تأکید دارند. به‌ویژه در انجیل متی، به‌طور صریح از واژه «شراب» استفاده نشده و به‌جای آن از واژه «شکر» بهره‌برداری شده است. در مقابل، پولس در عهد جدید، آزادی در نوشیدنی‌ها را تجویز کرده است.
۳. این در حالی است که احادیث اسلامی نیز بر این نکته تأکید دارند که نوشیدن خمر در تمام ادیان الهی مورد نکوهش قرار گرفته و هیچ‌گونه جواز شرعی برای آن وجود ندارد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن حنبل، احمد (بی تا). مسند احمد، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳. آلوسی، محمود بن عبدالله (بی تا). روح المعانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. امام رضا علیه السلام، علی بن موسی (۱۴۰۶ق). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: موسسه آل البيت علیهم السلام.
۵. ایلیاده، میرچا (۱۳۹۹). تاریخ اندیشه های دینی: از گوتاما بودا تا پیروزی مسیحیت، ترجمه: بهزاد سالکی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
۶. بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
۷. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (بی تا). صحیح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. بلاغی، سید عبدالحجت (۱۳۴۵). تفسیر بلاغی (حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر)، قم: حکمت.
۹. بلخی، مولانا جلال الدین (۱۳۶۶). مثنوی معنوی، تصحیح: نیکلسون، تهران: امیر کبیر.
۱۰. جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۱۷). تفسیر گازر (جلاء الاذهان و جلاء الاحزان)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۵۸). پژوهشی درباره قرآن و تاریخ آن، تهران: نهضت زنان مسلمان.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۳). وسائل الشیعة، تهران: اسلامیه.
۱۳. دایرة المعارف کتاب مقدس (۱۳۸۲). مترجم: آلیس علیایی، تهران: نشر سرخدار.
۱۴. شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
۱۵. شیر، سید عبدالله (۱۴۱۲ق). تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالبلاغه.
۱۶. صحاف کاشانی، محمد (۱۳۸۸). «بررسی کتاب مقدس ۲»، مکاتبه و اندیشه، شماره ۳۳، صص ۱۴۷-۱۶۶.
۱۷. صدوق، محمد بن بابویه (۱۳۹۸ق). التوحید، تحقیق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
۱۸. _____ (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: انتشارات جهان.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۹ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۳. _____ (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن، قم: مکتبه الاعلام الاسلامی.
۲۴. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۶). تفسیر اطبیب البیان، تهران: نشر اسلامی.
۲۵. عسقلانی، احمد بن علی (بی تا). فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت: دار المعرفة.
۲۶. علوی عاملی، احمد (۱۳۷۳). مصقل صفا در نقد کلام مسیحیت، قم: امیر.
۲۷. عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ عمید، تهران: امیر کبیر.
۲۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمیه.
۲۹. فیض کاشانی، ملا محسن (بی تا). تفسیر الصافی، مشهد: دار المرتضی.



۳۰. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۹۹۲). صحیح المسلم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی، قم: دار الکتب.
۳۳. کارپنتر، همفری (۱۳۷۴). عیسی، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: طرح نو.
۳۴. کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۴۴). منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳۵. کتاب مقدس (عهدین)، (۲۰۰۲). انگلستان: ایلام.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی، قم: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخعلی (۱۳۶۳). تفسیر شریف لاهیجی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۳۸. مالک ابن انس (۱۹۹۸). الموطأ، بیروت: دار الکتب العربی.
۳۹. ملک مکان، حمید (۱۳۸۵). «نقدهایی بر مسیحیت از علامه بلاغی»، هفت آسمان، شماره ۳۲، صص ۳۳۵-۳۵۶.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۴۱. هیأت تحریریه موسسه در راه حق (۱۳۵۰). حقیقت مسیح، قم: موسسه در راه حق.
42. The Holy Bible, Containing the Old and New Testaments, Translated out of the Original Tongues and with the Former Translations Diligently Compared & Revised, Set forth in (1611) and commonly known as the , King James Version (p: 26 – 52).
43. Thomas Carson, Joann Cerrito (2002). The New Catholic Encyclopedia, Second Edition, The catholic university of America Washington, D.C.
44. www.biblica.com.
45. www.britanica.com.